

## حجاب و اصل آزادی

یکی از ایرادهائی که بر حجاب گرفته‌اند اینست که موجب سلب حق آزادی که یک حق طبیعی بشری است می‌گردد و نوعی توهین به حیثیت انسانی زن به‌شمار می‌رود. می‌گویند احترام به حیثیت و شرف انسانی یکی از مواد اعلامیه حقوق بشر است، هر انسانی شریف و آزاد است، مرد باشد یا زن، سفید باشد یا سیاه، تابع هر کشور یا مذهبی باشد، مجبور ساختن زن به اینکه حجاب داشته باشد بی‌اعتنائی به حقوق آزادی او و اهانت به حیثیت انسانی او است و به عبارت دیگر، ظلم فاحش است به زن، عزت و کرامت انسانی و حق آزادی زن و همچنین حکم متطابق عقل و شرع به‌اینکه همچس بدون موجب نباید اسیر و زندانی گردد، و ظلم به هیچ شکلی به هیچ صورت و به هیچ‌بهبانه نباید واقع شود، ایحساب می‌کند که این امر از میان برود.

پاسخ - یک بار دیگر لازم است تذکره دهیم که فرق است بین زندانی کردن زن در خانه و بین موظف دانستن او به اینکه وقتی می‌خواهد با مرد بیگانه مواجه شود پوشیده باشد. در اسلام محبوس ساختن و اسیر کردن زن وجود ندارد. حجاب در اسلام یک وظیفه‌ای است برعهده زن نهاده شده که در معاشرت و برخورد با مرد باید کیفیت خاصی را در لباس پوشیدن مراعات کند. این وظیفه نواز ناحیه «مرد بر او تحمیل شده‌است و نه چیزی است که با حیثیت و کرامت او منافات داشته باشد و یا تجاوز به حقوق طبیعی او که خداوند برایش خلص کرده است محسوب شود.

اگر رعایت پاره‌های مصالح اجتماعی زن با

## حجاب و ایرادهای مخالفین

هیچگونه عطی که باعث تحریک و تهییج شود به کار نبرد، عملاً مرد را به سوی خود دعوت نکند، زبان‌دار لباس نباشد، زبان‌دار راه نرود، زبان‌دار و معنی‌دار به‌سخن خود آهنگ ندهد، چه آنکه گاهی اوقات رست‌ها سخن می‌گویند، راه رفتن انسان سخن می‌گوید، طرز حرف زدنش یک حرف دیگری می‌زند.

اول از تیپ خودم که روحانی هستم مثال می‌زنم. اگر یک روحانی برای خودش قیافه و هیئتی برخلاف آنچه عادت و معمول است بسازد، عمامه را بزرگ و ریش را دراز کند، عصا و ردائی با هیمنه و شکوه خاصی به‌دست و دوش بگیرد، این رست و قیافه خودش حرف می‌زند، می‌گوید برای من احترام قائل شوید، راه برایم باز کنید، موه‌دب بایستید دست مرا ببوسید.

همچنین است حالت یک افسر یا نشانه‌های عالی افسری که کردن می‌افزاید، قدم‌ها را محکم به زمین می‌کوبد، باد به غیب می‌اندازد، صدای خود را موقع حرف زدن کلفت می‌کند، او هم زبان‌دار عمل می‌کند به زبان بی‌زبانی می‌گوید: از من بترسید، رعب من را در دل‌های خود جا دهید.

همینطور ممکن است زن یک طرز لباس بپوشد یا راه برود که اطوار و افعالش حرف بزند، فریاد بزند که به دنبال من بیا، سر

مرد را مقید سازد که در معاشرت‌روش خاصی را اتخاذ کنند و طوری راه بروند که آرامش دیگران را برهم نزنند و تعادل اخلاقی را از بین نبرند چنین مظلیمی را «زندانی کردن» یا «بردگی» نمی‌توان نامید و آن را منافی حیثیت انسانی و اصل «آزادی» فسرده نمی‌توان دانست.

در کشورهای متعدد جهان در حال حاضر چنین محدودیت‌هایی برای مرد وجود دارد. اگر مردی برهنه یا در لباس خواب از خانه خارج شود و یا حتی با پیژامه بیرون آید، پلیس ممانعت کرده به‌عنوان اینکه آن عمل بر خلاف حیثیت اجتماع است او را جلب می‌کند هنگامی که مصالح اخلاقی و اجتماعی افراد اجتماع را ملزم کند که در معاشرت اسلوب خاصی را رعایت کنند مثلاً با لباس کامل بیرون بیایند، چنین چیزی نه بردگی نام دارد و نه زندان، و نه ضد آزادی و حیثیت انسانی است و نه ظلم و ضد حکم عقل به‌شمار می‌رود.

برعکس، پوشیده بودن زن، در همان حدودی که اسلام تعیین کرده‌است، موجب کرامت و احترام بیشتر او است، زیرا او را از تعرض افراد جلف و فاقداخلاق مصون می‌دارد شرافت زن اقتضا می‌کند که هنگامی که از خانه بیرون می‌رود متین و سنگین و با وقار باشد، در طرز رفتار و لباس پوشیدنش

به سرمن بگذار، منک بگو، در مقابل من زانوا بزن، اظهار عشق و پرستش کن. آیا حیثیت زن ایجاب می کند که این چنین باشد؟ آیا اگر ساده و آرام بیاید و بسرود، حواس برت کن نباشد و نگاههای شهوت آلود مردان را به سوی خود جلب نکند، برخلاف حیثیت زن یا بر خلاف حیثیت مرد یا بر خلاف مصالح اجتماع یا بر خلاف اصل آزادی فرد است؟

آری اگر کسی بگوید زن را باید در خانه حبس و در را به رویش قفل کرد و به هیچ وجه اجازه بیرون رفتن از خانه به او نداد، البته این با آزادی طبیعی و حیثیت انسانی و حقوق خدادادی زن منافات دارد. چنین چیزی در حجاب های غیر اسلام بوده است ولی در اسلام نبوده و نیست.

شما اگر از فقها بپرسید آیا صرف بیرون رفتن زن از خانه حرام است؟ جواب میدهند نه. اگر بپرسید آیا خرید کردن زن ولو اینکه فروشنده مرد باشد حرام است؟ یعنی نفس عمل بیع و شرا زن اگر طرف مرد باشد حرام است؟ پاسخ می دهند حرام نیست. آیا شرکت کردن زن در مجالس و اجتماعات ممنوع است؟ باز هم جواب منفی است. چنانکه در مساجد و مجالس مذهبی و پهای منبرها شرکت می کنند و کسی نگفته است که صرف شرکت کردن زن در جاهائی که مرد هم وجود دارد حرام است. آیا تحصیل زن، فن و هنر آموختن زن و بالاخره تکمیل استعدادهایی که خداوند در وجود او نهاده است حرام است؟ باز جواب منفی است. فقط دو مسأله وجود دارد، یکی اینکه باید پوشیده باشد و بیرون رفتن به صورت خود نمائی و تحریک آمیز نباشد.

و دیگر اینکه مصلحت خانوادگی ایجاب می کند که خارج شدن زن از خانه توام بسا جلب رضایت شوهر و مصلحت اندیشی او باشد. البته مرد هم باید در حدود مصالح خانوادگی نظر بدهد نه بیشتر. گاهی ممکن است رفتن زن به خانه اقوام و فامیل خودش هم مصلحت نباشد. فرض کنیم زن می خواهد

به خانه خواهر خود برود و فی المنسل خواهرش فرد مفسد و فتنه انگیزی است که زن را علیه مصالح خانوادگی تحریک می کند. تجربه هم نشان می دهد که اینگونه قضایا کم نظیر نیست. گاهی هست که رفتن زن حتی به خانه مادرش نیز برخلاف مصلحت خانوادگی است، همینکه نفس مادر به او برسد تا بکهنه در خانه ناراحتی می کند، بهانه می گیرد، زندگی را تلخ و غیر قابل تحمل می سازد. در چنین مواردی شوهر حق دارد که از این معاشرت های زبانه خاش که زیانش نه تنها متوجه مرد است متوجه خود زن و فرزندان ایشان نیز می باشد - جلوگیری کند. ولی در مسائلی که مربوط به مصالح خانواده نیست دخالت مرد مورد ندارم

### رکود فعالیتها :

ایراد دیگری که بر حجاب می گیرند این است که سبب رکود و تعطیل فعالیتها می است که خلقت در استعداد زن قرار داده است. زن نیز مانند مرد دارای ذوق، فکر، فهم هوش و استعداد کار است. این استعدادها را خدا به او داده است و بهبودی نیست و باید بهتر برسد.

اساس هر استعداد طبیعی دلیل یک حق طبیعی است. وقتی در آفرینش به یک موجود استعداد و لیاقت کاری داده شده، این به منزله سند و مدرک است که وی حق دارد استعداد خود را به فعالیت برساند، منع کردن آن ظلم است.

چرا می گوئیم همه افراد بشر اعم از زن و مرد حق دارند درس بخوانند و این حق را برای حیوانات قائل نیستیم؟ برای اینکه استعداد درس خواندن در بشر وجود دارد و در حیوانات وجود ندارد. در حیوان استعداد تغذیه و تولید مثل وجود دارد و محروم ساختن او از این کارها بر خلاف عدالت است.

باز داشتن زن از کوششهایی که آفرینش به او امکان داده است نه تنها ستم به زن است خیانت به اجتماع نیز می باشد. هر چیزی که

سبب شود قوای طبیعی و خدادادی انسان معطل و بی اثر بماند به زیان اجتماع است، عامل انسانی بزرگترین سرمایه اجتماع است، زن نیز انسان است و اجتماع باید از کار و فعالیت این عامل و نیروی تولید او بهره مند گردد. فلج کردن این عامل و تضعیف نیروی نمیی از افراد اجتماع هم بر خلاف حق طبیعی فردی زن است و هم بر خلاف حق اجتماع و سبب می شود که زن همیشه به صورت سربار و کُل بر مرد زندگی کند.

جواب این اشکال آن است که حجاب اسلامی که حدود آن را به زودی بیان خواهیم کرد، موجب هدر رفتن نیروی زن و ضایع ساختن استعداد های فطری او نیست. ایراد مذکور بر آن شکلی از حجاب که در میان هندی ها یا ایرانیان قدیم یا یهودیان متداول بوده است وارد است. ولی حجاب اسلام نمی گوید که باید زن را در خانه محبوس کرد و جلوی بروز استعداد های او را گرفت، مبنای حجاب در اسلام چنانکه گفتیم این است که التذاذات جنسی باید به محیط خانوادگی و به همسر مشروع اختصاص یابد و محیط اجتماع، خالص برای کار و فعالیت باشد، به همین جهت، بمن اجازه نمی دهد که وقتی از خانه بیرون می رود موجبات تحریک مردان را فراهم کند و به مرد هم اجازه نمی دهد که چشم چرانی کند. چنین حجابی نه تنها نیروی کار زن را فلج نمی کند، موجب تقویت نیروی کار اجتماع نیز می باشد.

اگر مرد تمتعات جنسی را منحصر به همسر قانونی خود کند و تصمیم بگیرد همینکه از کنار همسر خود بیرون آمد و بسا به درون اجتماع گذاشت، دیگر در باره این مسائل نیندیشد، قطعاً در این صورت بهتر می تواند فعال باشد تا اینکه همه فکرش متوجه این زن و آن دختر و این قد و بالا و این طنازی و آن عشوه گری باشد و دائماً نقشه طرح کند که چگونه با فلان خانم آشنا شود. آیا اگر زن ساده و سنگین به دنبال کار خود برود برای اجتماع بهتر است یا آنکه

برای یک بیرون رفتن چند ساعت پای آئینه و میز توالت وقت خود را تلف کند و زمانی هم که بیرون رفت تمام سعیش این باشد که افکار مردان را متوجه خود سازد و جوانان را که باید مظهر اراده و فعالیت و تصمیم اجتماع باشند به موجوداتی هوسباز و چشم-چران و بی‌اراده تبدیل کند؟

عجبا! به بهانه اینکه حجاب، نیمی از افراد اجتماع را فلج کرده است، بایستی حجابی و بی‌بندوباری نیروی تمام افراد زن و مرد را فلج کرده اند، کار زن پرداختن به خود-آرایی و صرف وقت در پای میز توالت برای بیرون رفتن، و کار مرد چشم چرانی و شکار-چیکری شده است.

در اینجا بدنیت متن شکایت مردی را از زنی که در یکی از مجلات زنانه درج شده بود ذکر کنم تا معلوم شود اوضاع حاضر زنان را به صورت چمن وجوداتی درآورده است در آن نامه چنین نوشته است:

"زمن در موقع خواب به یک دلکک درست و حسابی مبدل می‌گردد، موقع خواب برای اینکه موهایش خراب نشود یک کلاه توری بزرگ به سرش می‌بندد، بعد لباس خواب می‌پوشد، در این موقع است که جلو آئینه می‌ز توالت می‌نشیند و گرم صورتش را با شیر پاک کن می‌شوید، وقتی رویش را برمی‌گرداند احساس می‌کنم او زن من نیست، زیرا اصلاً شکل سابق را ندارد، ابروهایش را تراشیده و چسبون مداد ابرو را پاک کرده بی‌ابرو می‌شود، از صورتش بوی نامطبوعی به مشام من می‌رسد، زیرا گرمی که برای چین و چروک به صورتش می‌مالد بوی کافور می‌دهد و مرا به یاد قبرستان می‌اندازد. کاش کار به همین جا ختم می‌شد، ولی این تازه مقدمه کار است، چند دقیقه‌ای در اتاق راه می‌رود و جمع و جور می‌کند آنگاه کلفت خانه را صدا می‌کند و می‌گوید کیسه‌ها را بیاور، کلفت با چهار کیسه متقالی بالا می‌آید، خانم روی تخت می‌خوابد و کلفت کیسه‌ها را به دست و

پای او می‌کند و بیخ آن را با نخ می‌بندد چون ناخن‌های دست و پایش مانیکور شده و دراز است، برای اینکه به لحاف نگیرد و چندش نشود و احياناً نشکند دست و پای خود را در کیسه می‌کند و به همین ترتیب می‌خواهد."

آری اینست زنی که بر اثر به اصطلاح بی‌حجابی "آزاد" شده به صورت نیروی فعال اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی درآمده است! آنکه اسلام نمی‌خواهد این است که زن به صورت چنین موجود مهملی درآید که کارش فقط استهلاک ثروت و فاسد کردن اخلاق اجتماع، و خراب کردن بنیان خانواده باشد. اسلام با فعالیت واقعی اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی هرگز مخالف نیست متون اسلام و تاریخ اسلام گواهی این مطلب است.

در اوضاع و احوال تجدد فاسی بی‌منطق حاضر جز در دهات و در میان افراد سخت‌مندی که اصول اسلامی را رعایت می‌کنند زنی پیدا نمی‌کنید که نیروی او واقفاً صرف فعالیت‌های مفید اجتماعی یا فرهنگی بسا اقتصادی بشود.

آری یک نوع فعالیت اقتصادی رائج شده است که باید آنرا "شعره" بی‌حجابی دانست و آن اینست که بندگان به جای اینکه بکوشند چنان بهتر و مرغوب‌تر برای مشتریان خود تهیه کنند، یک مانکن را به عنوان فروشنده می‌آورد، نیروی زنانگی و سرمایه عصمت و عفاف او را استخدام می‌کند و وسیله پول درآوردن و خالی کردن جیب‌ها قرار می‌دهد یک فروشنده باید کالا را همانطوریکه هست به مشتری ارائه دهد ولی یک دختر خوشگل فروشنده با ادا و اطوار و زینت‌های زنانه و در معرض قرار دادن جاذبه جنسی خود مشتری را جلب می‌کند، بسیاری از افراد که اصلاً مشتری نیستند برای اینکه چند دقیقه با او حرف بزنند یک چیزی هم می‌خرند. آیا این فعالیت اجتماعی است؟ آیا این تجارت است یا کلاهبرداری و رذالت؟ می‌گویند زن را توی کیسه سیاه تپیچید.

ما نمی‌گوئیم زن خود را در کیسه سیاه تپیچد ولی آیا باید طوری لباس بپوشد و در اجتماع عمومی ظاهر شود که برجستگی پستان‌هایش را هم به مردان شهوتران و چشم‌چران نشان بدهد و از آنطور که هست بهتر و جاذب‌تر برای آنها جلوه دهد؟ از وسائل مصنوعی در زیر لباس استفاده کند تا چاقی و زیبایی مصنوعی را هم برای فریفتن و دل ربودن مردان بیگانه به سد بگیرد؟ این مدها و لباس‌های تحریک‌آمیز برای چه به وجود آمده است؟ آیا برای این است که بانوان آن لباسها را برای همسرانشان بپوشند؟! این کفش‌های پاشنه بلند برای چیست؟ جز برای اینست که حرکات ماهیچه‌های کفل را به دیگران نشان دهد؟ آیا لباس‌هایی که نازک‌کاریها و برجستگی‌های بدن را نشان می‌دهد جز برای تهبیب مردان و برای صیادی است؟ عملاً غالب خانم‌هایی که از این نوع کفشها و لباسها و آرایشها استفاده می‌کنند، تنها مردی را که در نظر نمی‌گیرند شوهران خودشان است.

زن می‌تواند در میان زنان و در میان محارم خود از هر نوع لباس و آرایشی استفاده کند اما متأسفانه تقلید از زنان غریبی برای هدف و منظور دیگری است. غریزه خودآرایی و شکارچیکری در زن غریزه عجیبی است. وای اگر مردان هم به آن دامن بزنند و مدسازان و طراحان نواقص کارآنان را برطرف کنند و مصلحین اجتماع هم تشویق کنند؟ اگر دختران در اجتماعات عمومی لباس ساده بپوشند، کفش ساده به پا کنند، بسا چادر یا با پالتو و روسری کامل به مدرسه و دانشگاه بروند، آیا در چنین شرایطی بهتر درس می‌خوانند یا با وضعی که مشاهده می‌کنیم؟ اصولاً اگر التذاذهای جنسی و منظورهای شهوانی در کار نیست چه ضراری است که بیرون رفتن زن به این شکل باشد؟ چرا اصرار می‌ورزند که دبیرستان‌های مختلط به وجود آورند؟ ...